

# پیام آزادگان

شماره 1025 دوره جدید - فروردین 2734 مادی - آپریل 2026 میلادی

## نقش ویرانگر اسلام بر فرهنگ موسیقایی ایران



دکتر روزبه آذربرزین

پیش نوشتار را از آن جهت می نویسم که هرگز یادمان نرود که جمهوری اسلامی چه بلایی بر سر ایران و ایرانی آورد و اینک که با یاری آمریکا و اسرائیل بازمانده های این رژیم اهریمنی ره نابودی طی می کنند ، فریب اشک تمساح مشتکی پشت به وطن کرده را نخوریم که خراب شدن یک پل و... را دستمایه خدعه و دروغ قرار داده اند که وامصیبتا زیر ساخت های ما را زدند. 47 است که جمهوری اسلامی ایران را نابود کرد. روده ها و دریاچه ها را خشک کرد تا شهر های موشکی در عمق 500 متری زمین بسازد. سفره مردم را از غذا خالی کرد تا به شکم نیرو های نیابتی خود بریزد. به پیشباز مرگ جمهوری اسلامی که مرگ اسلام را در کشورمان به همراه دارد برویم.

درد های چهل و هفت ساله روحانیت شیعه را با تمام رگ و پی حس کردیم . تلخ کامی آن آزارمان داد و بر پانصد سال تیره روزی و پس رفت چشمان خود را بستیم . از دانش و شناخت بازه ای ( فاصله ) سخت گرفتیم و از خنگ سرکش پیشرفت با زین و برگ طلائی اش به زیر آمدیم و نم چهل و پس رفت را با پوست خود آشنا ساختیم . شیوه نیاکان آزاده را به دست فراموشی سپردیم و شعله آرزوی برابری و پیشرفت اجتماعی در پر تو داد و خرد را که از زمان شاه زنده یاد در سرای دلان کور سوئی میزد به یکباره خاموش کردیم و برای زدن حتی تلنگری به کله انباشته از او هام خود که فکر کنیم : چه بلائی سرمان آورده اند و چه کسانی جتکسازان ( مسببین ) آن هستند ، رنجی بر خود روا نداشتیم . از خرد دور شدیم و همچون غرقاب فرو مانده ای که هر خس و خاشاک چنگ فشرديم تا جائیکه صفت ما از زبان عقب مانده ای چون محمود احمدی نژاد جاری شد.

چهل و هفت سال ، گماشتگان دستار بند استعمار بر پیکرمان تازیانه زدند ، پیش جهانیان سر افکنده شدیم ، کوشندگان راه آزادی را یکی یکی از دست دادیم . اندوه بسیار به گرانی کوه دماوند در سیمای آزاد اندیشان رخ نمائی کرد و ما آنرا ندیدیم و شاید نخواستیم که ببینیم . به زبونان و بی خردان دستار بند بها دادیم و آنها را سرور خود کردیم و آنها نیز پاداش بی خردی ما را با گرفتار ساختن لشکر ایرانیان با شرف و آزاده و بستن دست آنها از پشت ، به سوی کشتن گاه بردند و نسل کشی آغاز کردند . روزی نامه نویسان وژن درون و برون ایران به نرخ روز خوران ، روزی نامه هایشان را با پیکره های کشته شدگان دلاور آراستند و بی هیچ پرخاش و ژکیدی ، این دلاوران را گماشتگان آمریکائی و یا اسرائیلی شناسائی کردند . زنان ما که طعم گوارای آزادی را از یاد برده بودند ، چون روسپیان حجاب دار حجم فساد کده های مذهبی را پر نمودند و اسباب زنجارگی مرد ایرانی شدند

مردم ما در غرقاب فساد و تباهی و جهل تام فرو رفتند و دستار بندان خنده های گاو ریشانه سر دادند و حراره خوانان بر این خواری و تیره روزی ملت ، نگاهی خرسند گونه انداختند . تحصیل کرده و روشنفکران !!!! ما بجائی که از چاشتگاهان تا شبانگاهان ، بدون خستگی دشمن راستکی را به مردم شناسائی کنند ، خود را در کوره را های بی خبری گم کردند و هر کدام برای خود دکانی باز کردند که قفسه های آنرا تک بین شاه و مصدق پر میکرد و با پرداختن به دین آب در آسیاب آخوند ریختند تا جائیکه از این ره ، بزرگترین سود را به آخوند رساندند : ای مسلمانان ، وامصیبتا که آمده اند دین شما را بگیرند!!

وقتی شاه رفت ، گریختگان باز گشتند . از آمریکا ، انگلیس ، عراق و از اردو گاه های تروریست پرور عرب در لیبی و سوریه و ... و بوق و کرنا بدستشان افتاد و آنها برای

مردم خرد گم کرده و بی بینش ما عربده ها سر دادند که : کشتی شکسته میهن را کشتی بان جدیدی بنام روح اله خمینی ناخدا شده و مردم ما فریاد شادی کشیدند و فرتور این نابکار را

در ماه بهم نشان دادند ! کشتی هنوز راه نیفتاده ، صدای گلوله هائی که بر پهنه سینه های فراخ و ستبر دلاوران عاشق آب و خاک می نشست ، گوشها را پر کرد ولی مردم ما آنها را حس نکردند . مردم ما صدای ترسناک پای استبداد را ندیده گرفتند و گفتند چیزی نیست . کشته شده ها را به گور های دسته جمعی سپردند و بر آرامگاه آنها لعنت آباد نام نهادند

بادنجان دور قاب چین ها بدور کامروایان از راه رسیده گرد آمدند تا با زیور و شکوه دروغین آنها را جا بیندازند و چنان کردند . نام کوچه ها و میدان ها دگرگون شد و چرب زبانان خامه دار با چرخشی باژ گونه و شگرف به ستایش بالا نشینان بی هویت و تازی پرست پرداختند و مردم اسلام زده ما به یکبار آزادگی و آزاد منشی را از یاد بردند و با ساده اندیشی گفتند : رگبار است ، میگذرد و دیدید که جائی که جهل خانه کند و بی غیرتی حاکم شود آب از آبی نمی جنبد .

گفتند : زمستان میروود و رو سیاهی به ذغال میماند !!!! و دیدید که چهل و هفت سال است ، سرزمین ما تنها یک فصل داشت که آن زمستان بود .

نبنشته ها دگرگون شد . تک فرهنگ زمخت عرب بار دگر آغاز گشت . ایران به سد ها سال پیش باز گردانده شد و این بار تازی پرستی شکل ترسناک بخود گرفت . مردم ما چون عنتر ، چشم و گوش بسته پیرو ویرانگران فکر و اندیشه و میهن شدند . ایرانی خرد گم کرده هیچگاه نخواست دشمن راستکی خود بشناسد و رادمردی چون احمد کسروی که دشمن

را شناسائی کرد بود بدست دژخیمان مسلمان سپرد . ایرانی : پس از گذر پانصد سال تیره روزی و زبونی با بلوغ فکری جوانان سرزمینش دشمن راستکی اش را شناخت ؟ روحانیت شیعه دشمن راستکی مردم ایران شناسائی شد . ایرانی وقتی در دو شب 18 و 19 دیماه 1404 مرگ بیش از چهل هزار تن از عزیزانش را دید متوجه شد انگل هائی که در این پانصد سال سر زمینش را ویران کردند ، چوب حراج به خاک میهنش زدند ، در جهان بی اعتبارش کردند ، مادر و دختر و خواهرش را به روسپیگری وا داشتند ، به فرزندانش در مزگت دست درازی کردند ، مالش را دزدیدند و رشوه را بنیاد اقتصاد میهنش کردند ، دروغ را افتخار نشانش دادند و دزدی ها شکل دهشتناک بخود گرفت و حق و حقوقش را بشکل کوپن و رایانه چون استخوانی که پیش روی سگی بیندازند ، جلویش انداختند ،

ددمنشان دستار بندی بودند که کشورش را اشغال کرده بودند. در سالروز ننگین بیست و دو بهمن برای گرفتن دو مرغ یخی و چند کیلو برنج به حیواناتی حقیر و زبون تبدیلت کردند.

در این چهل و هفت سال بسیاری ماسک از چهره زشت اسلام بر داشتند که دستشان درد نکند. امروز زمان شوراندن مردم علیه روحانیت شیعه است. آمریکا و اسرائیل به داد ما رسیده اند، باید سپاسگزار بود. برگ آخر را مردم ما بر زمین میزنند و دکان دین را با انگل هائی که از آن زاده شده اند به آبریزگاه تاریخ میریزند.

**هیچگاه یادمان نرود که در این 47 سال چه بلا هائی بر سرمان آوردند و اینک بخشی از فرهنگ گهر بارمان که از سوی دستار بندان آسیب های فراوان دید**

این است کلام آخوند جنایتکار بد کردار زشت گفتار روح الله خمینی در مورد یکی از بُنیادی ترین ریشه های فرهنگی هر قوم، یعنی موسیقی:

موسیقی روح عشق بازی و شهوت رانی و خلاف عفت در انسان تولید می کند. موسیقی شهادت و جوانمردی را میگیرد. زندگی که در آن مجالس موسیقی باشد، پست و بیشرمانه است. موسیقی باعث میشود که مغز غیر فعال شود. موسیقی فرقی با تریاک ندارد. خانه ای که در آن موسیقی باشد، فرقی با فحشاء خانه ندارد!!!. موسیقی خیانت است به مملکت اسلامی. اگر می خواهید جمهوری اسلامی مستقل باشد، باید موسیقی را از رادیو و تلویزیون حذف کنید.



خسرو پرویز

داستان ضدیت اسلام و آخوند با فرهنگ موسیقایی ایران به چهارده سده پیش می‌رسد .  
موسیقی والای زمان ساسانیان بی اختیار با موسیقی زمان خسرو پرویز تجلی می‌کند .  
خسرو پرویز پادشاه فرهنگ دوستی که در دوران زمامداریش ،موسیقی ایران به اوج  
شکوفائی خود رسید و بزرگانی چون باربد و سر کیس در دربار این پادشاه نقش بسزایی در  
رونق موسیقی ایفاء کردند.



#### باربد

سرکیس را که سرکش ، سرکب ،سرگاش ، سرخوش و حتی سرگیوس و سرزیوس و باربد  
را که بازبد، پهلبد، فلهبذ، فهربذ، فهلوز و پهلبد شناسائی کرده اند، دو اسطوره بزرگ  
موسیقی در تاریخ ایران هستند. در کتاب تمدن ساسانی از رامشگری بنام سرکیس هدروم نام  
میبرند که ارمنی بوده است. نظر به اینکه شیرین همسر محبوب خسرو پرویز ارمنی بوده  
است و از دیر باز ارمنیان در موسیقی پارسیان نقش اساسی بازی کرده اند ، به نظر می‌رسد  
. که واژه سرکش به معنی پرده و لحنی منسوب به موسیقی دان آن زمان است

آنچه امروز مورد افتخار و مباهات است، نقش حیاتی ارمنی ها و یهودیان در حفظ موسیقی  
ایران بوده و هست که راجع به آنها سخن خواهم گفت . نام سرکش همواره در ارتباط با  
باربد ذکر شده است. باربد از طبقه یی از هنرمندان بود که در زبان پارسی ( پهلوی اشکانی  
) آنها را گوسان و به فارسی میانه یا پهلوی ،خُنیاگر می نامیدند . باربد برای هر روز سال  
آهنگی خاص ساخته بود که تعداد این قطعات بالغ بر 360 است . فردوسی بزرگ در  
جاودانه اثرش ، شاهنامه، در فصلی بنام شیون باربد بر خسرو می نویسد: باربد

پس از شنیدن خبر زندانی شدن خسرو پرویز به دست فرزندش شیرویه ، شیون کنان از جهرم به تیسفون میرود و از فرط غصه ولی نعمتش سوگند می خورد که هرگز دست به ساز نزند از این روی سازهایش را میسوزاند و چهار انگشت از دو دستش را می برد.

باربد 75 آهنگ صرفا برای خسرو پرویز ساخت

اوج شکوفایی موسیقی ایران در دوران ساسانی را میتوان از نت های بجا مانده از آن عصر مشاهده کرد.

1400 سال پیش ایرانیان به یک چهارم پرده که بعدها، کرن و سوری نامیده شد دستیابی داشتند . موسیقی غرب تا نیم پرده را داشته و یک چهارم پرده را ندارد . در زمان ساسانی موسیقیدانها قادر بودند تا برای صدای آب و یا وزش باد نت نویسی کنند

گام موسیقیایی امروز الگویی هشت صدایی است که در آن نت ها به ترتیب زیر و بمی در پی هم قرار گرفته اند

در زمان ساسانی موسیقی دان های آن موقع به گام بیست و چهار ربع پرده که امروز آنرا گام ایرانی کروماتیک میگوییم آشنا بودند . بعد ها ابن سینا گامی شامل 18 نغمه با 17 فاصله درست کرد . ابن سینا موفق شد غیر از می بمل فیثاغورثی به نسبت 32/27 به نغمه بی دست یابد که فارابی هم به وجود آن پی نبرده بود.



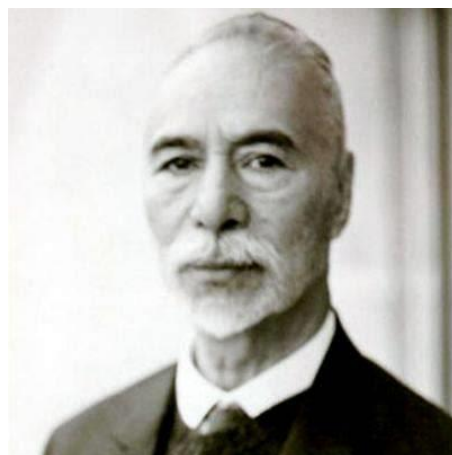
ابن سینا

با یاری استاد علی اکبر جعفری ، بزرگ دین زرتشتی در لس آنجلس موفق شدم تا گام های موسیقیایی عهد ساسانی را از زبان سانسکریت به زبان حال و برابر های خارجی آن ترجمه کنم:

شاجا (دو / سی )

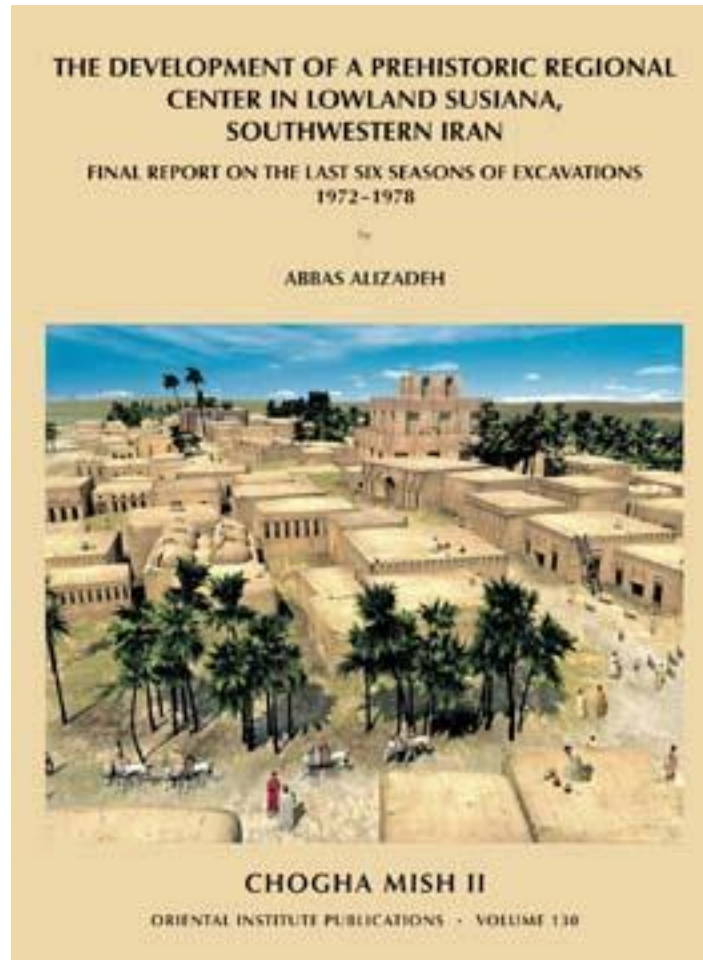
کمدواتی ( ربع پرده )  
ماند ( دی بمل / ر بمل )  
چندو باتی ( ربع پرده )  
دایاباتی ( ر / دی )  
رنجانی ( ربع پرده )  
رختیکا ( می بمل / ای بمل )  
رودری ( می / ای )  
خرودری ( ربع پرده )  
باجریکا ( فا / اف )  
پراسارینی ( ربع پرده )  
پرینی ( فا دیز / اف دیز )  
مانجاری ( ربع پرده )  
کشیتی ( سل / جی )  
رختا ( ربع پرده )  
ساندی پینی ( لا بمل / ا بمل )  
آلپانی ( ربع پرده )  
ماداتنی ( لا / ا )  
روپینی ( ربع پرده )  
رامبیا ( سی بمل / بی بمل )  
اوکرا ( سی / بی )  
کشووینی ( دو / سی )

در موسیقی قدیم ایران از حروف ابجد جهت نت نویسی استفاده می کردند . در زمان ساسانی، الحان موسیقی از لحاظ پرده های سازنده که همسان بودند در واحدی مستقل قرار می گرفتند که به آنها خسروانی می گفتند و تعداد این واحد ها هفت بود . هفت خوان رستم که منسوب به باربد است ، امروزه در موسیقی اهل حق و در مکتب نور علی الهی نواخته می شود.



نور علی الهی

قدمت موسیقی ایران از دوران آوانها ،سیماش ها ، اپارت ها ، شوتروک ها و ایکهالکی ها که آثار تمامی آنها در چغامیش، جنوب ایران پیدا شده، نشان میدهد که ایرانیان از شش هزار سال پیش با موسیقی آشنا بوده اند . ایرانیان در نواحی خوزستان، لرستان، پشتکوه و کوه های بختیاری از یک تمدن موسیقیای شش هزار ساله بر خور دار بودند. در دهه 1960 میلادی در حفاری های چغامیش دزفول هلن جی کانتوزو پروفیسور دلو گاز لوحی یافتند که مربوط به 5500 سال پیش بود و بر روی لوح تصویر چند نوازنده چنگ، طبل و یک نوع ساز بادی و کسی که دستش را کنار گوشش گذاشته ، به عنوان خواننده به چشم می خورد.



## چغامیش دزفول

آثار موسیقیایی بر روی سفال هائی که از کاوش باستان شناسان در تپه سیلک کاشان ، چشمه علی شهرری، اسماعیل آباد قزوین و تل جری نزدیک تخت جمشید بدست آمده حکایت از یک تمدن غرور آمیز موسیقیایی دارد که توسط مثنی بیابانگرد وحشی که به منظور غارت و ویرانی یک کشور و نابودی تمدن ایران تحت نام آوردن اسلام به این سرزمین یورش آورده و 1400 سال است که جا خوش کرده اند ، صورت پذیرفته است .

شش هزار سال پیش پادشاهان آوان، نوازندگانی را مامور میکردند تا شبانه روز برابر دروازه های اصلی معبد اینشوشیناک ( خدای شوش ) مشغول نواختن موسیقی باشند . تصاویری حک شده از نوازندگان آن زمان در کول فره و در ناحیه مال امیر به چشم میخورد . چنگ ، این ساز ایرانی عمری برابر با شش هزار سال دارد . در کاوش های باستان شناسی شوش، هفت تپه، چغازنبیل که از مراکز مهم ایلامی ها

بودند، دُهل که پوست آن از بین رفته، سازهای بادی شامل هورن صدفی و سوتک های متعدد به دست آمده است.



### چغازنبیل

مجموعه شواهد به دست آمده حاکی از آن است که گوسان ها در زندگی پارت ها تا اواخر عصر ساسانی نقش بسزایی در رونق موسیقی ایران داشته اند . واژه گوسان ، اولین بار در شعر ویس و رامین دیده شده است. گوسانها ، محبوب سلاطین و مردم بودند

خُنیاگری در دوران ماد و هخامنشی وجود داشته و تاریخ نگار معروف دینون از خُنیاگر مشهوری بنام آنگارس نوشته بسیاری دارد . آنگارس کسی است که به بزم شاه آستیاک دعوت میشده است.

اردشیر اول، نخستین پادشاه ساسانی، موسیقدان ها را در طبقه یی همردیف پزشکان، ستاره شناسان و دبیران دربار قرار داد. در زمان ساسانی موسیقدان ها از معافیت مالیاتی بر خور دار بود

در این زمان شکوهمند هنرمندانی چون باربد، نکیسا، رامتین، بامشاد، سرکش، سوسن، آرزو و آزاده در آسمان هنر ایران درخشیدند. از دیگر موسیقی دانهای زمان ساسانی میتوان به آزادوار چنگی اشاره داشت.



با حمله اعراب به ایران، تحت نام اسلام و تبلیغ برابری! و برادری! تمام نشانه های فرهنگی و هنری ساسانیان به نابودی کشیده شد. در دویست سال اول اشغال ایران توسط بیابانگردان وحشی نه نشانی از موسیقی به چشم میخورد و نه نشانی از ادبیات. در این دوران سیاه، سازها را سوزاندند کتابخانه ها را به آتش کشیدند و به پارسیان اجازه ندادند تا به زبان پارسی سخن بگویند و مطلب بنویسند. از این به بعد موسیقی در ایران اسلام زده سیری نظری یافت و در طی سالها دراز دانشمندان به تحقیق و تفحص در مورد موسیقی پرداختند. ابن سینا، رازی، فارابی، فراهیدی، تمامی زائیده این دوران هستند

از زمان یورش اعراب صدر اسلام تا کنون موسیقی در نبردی دایم برای حضور و حیات خود با آخوند ها و متعصبین مذهبی بوده است. بسیاری از موسیقی دانها آواره شدند و یا جان خود را از دست دادند. با پیاده شدن مذهب خون ریز و واپسگرای اسلام، خرافات بجان مردم افتاد و هر روز مردم از موسیقی و هنر فاصله گرفتند. با روی کار آمدن سلسله هایی چون طاهریان و صفویان، موسیقی ایران تا مرز نابودی کامل پیش رفت اگر در زمان

زندیه و قاجاریه موسیقی دان های کلیمی نبودند ، چه بسا که امروز نشانی از موسیقی ایران نبود.

زوال موسیقی ایران در ایران اسلام زده با حضور طاهریان و خصوصا صفویان آغاز شد . از سده نهم هجری دیگر کتاب با ارزشی در زمینه موسیقی تالیف نشد . در این زمان هر روز صدای ناقوس مرگ موسیقی ایران بلند تر بگوش میرسید . شاهان صوفی مسلک و حافظان دین پیامبرزنباره ، گردنه زن و جنایتکار اسلام ، همراه با آخوند های آن زمان ، موسیقی را حرام دانسته و کمر به قتل موسیقیدان ها بستند . فقها و مجتهدان عصر صفوی ، تمام هم خود را وقف امور شرعیه، بول و نجاست کردند . کار بجایی رسید که هنرمندان و موسیقی دانها مجبور به ترک وطن شدند . آنها جذب بارگاه سلاطین هند ، چین و حتی ژاپن شدند . به دستور سلاطین و آخوند ها، مراکز تجمع اهل ذوق و موسیقی ویران شدند و کاری کردند مشابه دستور خمینی وژن که در بدو ورود بمدت سه سال

تمام آموزشگاه موسیقی و مدارس موسیقایی تعطیل شد . در آن زمان بزرگانی چون میر علاء الدوله حسنی سیفی قزوینی ، میر سید علی استاد دوست محمد ، استاد یوسف ، مودودهروی ، استاد بهرام قلی ، استاد حافظ قانونی ، حافظ سلطان حسین ، استاد قاسم چنگی ، حافظ شریف و میرمست به دربار اکبر شاه گورکانی هند رفتند . در فاصله 45 سال پس از مرگ ابو سعید بهادر ، آخرین امیر مقتدر مغول و ورود امیر تیمور ، ایران مهد شاعران و هنرمندان بزرگی چون حافظ ، عبدالقادر غیبی مراغه یی و صفی الدین ارموی شد . غیبی مراغه یی و ارموی از بزرگترین موسیقی دانهای ایران بشمار میروند.



عبدالقادر غیبی مراغه ای

با آمدن صفویان همه چیز نابود شد . در زمان طولانی 220 سال حکومت مذهبی صفوی،

موسیقیدان و یا شاعری صاحب نام پا به عرصه وجود نگذاشت. آنچه بر ایران اسلام زده حاکم بود، خرافات و مرثیه و گریه بود. در زمان صفویه روضه خوانی به اوج رسید. شاه تهماسب صفوی در مدت 53 سال سلطنت خود، موسیقی را حرام اعلام کرد و دستور داد هر کسی که سازی بزند و یا سازی بسازد به اشد مجازات محکوم خواهد شد این پادشاه اسلام پناه حتی معلم موسیقی فرزندش، سلطان حیدر میرزا را بدار کشید و طی حکمی در مدت کوتاهی تمامی موسیقیدانهای اصفهان و سایر شهرها را کشت.



شاه تهماسب صفوی

این جا بود که حافظان موسیقی ایران، یعنی کلیمی ها پا به میدان دهشتناک و ترسناک و خفقان آور آن زمان گذاشتند. کلیمی ها بار خفت را تحمل کردند. توهین ها شنیدند. کشته دادند، ولی به حفظ موسیقی ایران همت گماردند.

عصر صفویه را میتوان تاریکترین دوره حیات موسیقی ایران دانست. لطمه بی که صفویان به موسیقی ایران زدند، هیچگاه جبران و ترمیم نشد. با روی کار آمدن شاه سلیمان و شاه سلطان حسین تنها خرافات، سحر و جادو حجم زندگی مردم اسلام زده ما را پر کرده بود. پرداختن به موسیقی زشت، حرام و خطرناک بود. در مجالس شادی بجای نوازنده و

خواننده ، روضه خوان دعوت میکردند. بی اعتنایی نادر شاه افشار به فرهنگ و موسیقی، آخرین ضربه را به کالبد بی جان موسیقی ایران وارد ساخت. با استیلای محمود افغان، درست مثل افغانستان در زمان طالبان فرهنگ ایران سد پاره شد. با قتل و عام پانزده روزه محمود افغان ، کسی در اصفهان باقی نماند. بنا ها و ابینه تاریخی به دست افغانها ویران گشت . افغانها با خود هفتاد سال ویرانی کامل ایران به همراه آوردند که جمهوری اسلامی این رکورد را آنهم در مدت چهل و هفت سال شکست. به قدرت رسیدن کریم خان زند و حمایت او از موسیقیدانهای کلیمی ، نَفَس مسیح گونه یی بود که موسیقی ایران آنرا کشید.



باور کریم خان بر خلاف آخوند ها این بود که مردم باید شاد باشند. تز او مخالف روح الله خمینی ابله بود که می گفت : گریه ، مملکت را حفظ خواهد کرد . پس از مرگ کریم خان زند ، ایران تبدیل به میدان جنگ و درگیری بین جانشینان او شد.

شیراز در زمان کریم خان ، پایگاه هنرمندان کلیمی بود و آنها بودند که موسیقی را زنده نگهداشتند. از موسیقی دانهای مشهور آن زمان یکی میرزا نصیر اصفهانی و دیگری مشتاق علیشاه اصفهانی بود . میرزا نصیر علاوه بر هنر موسیقی ، طبیب و ندیم کریم خان بود. او دارای رساله یی در خصوص موسیقی به زبان عربی است . مشتاق علیشاه اصفهانی از موسیقیدانهای بنام دوران زندیه با فتوای یک آخوند خشک مغز بنام ملا عبدالله امام جمعه کرمان در تاریخ 21 رمضان 1206 قمری سنگسار شد



مشتاق علیشاه اصفهانی و آرامگاه او در زمان قاجاریه

مشتاق علیشاه سیم سفید مجاور بم را به سه تار افزود و کوک های مختلفی به سه تار اضافه کرد . موسیقی دوران زندیه به دربار فتح علیشاه انتقال یافت.

موسیقی ایران با همان شکل قدیم به صورت هفت دستگاه و ردیف در زمان فتح علیشاه قاجار و محمد علیشاه شاه شکل گرفت

البته مجالس روضه خوانی در زمان قاجاریه از رونق خوبی بر خور دار بود. در زمان قاجاریه به موسیقی دانه‌ها عمده طرب می گفتند. شاه خوش گذران قاجار ، فتح علیشاه ، اندرونی قصرش مرکز تجمع نوازندگان و خوانندگان بود. از اول نوروز بمدت دو هفته، تمام اهل حرم میهمان تاج الدوله، یکی از زنان شاه بودند.



شاهوردی خانم، دختر آقا محمد رضا و بیگم رستم آبادی ملقب به یار شاه سرپرست گروه نوازندگان دربار بودند . همنوازی از ابتکارات موسیقیدانهای کلیمی آن زمان است. در زمان فتحعلیشاه دو گروه موسیقیایی به رهبری دو خانم به نامهای استاد زهره و استاد مینا وجود داشتند. این دو تن از زنان جعفر قلی خان و مصطفی قلی خان، برادران آغامحمد خان قاجار بودند. در گروه این دو بانوی هنرمند 50 نوازنده و خواننده حضور داشتند. از کلیمی های موسیقیدان مشهور آن زمان میتوان به رستم خان که در شیراز فعالیت داشت اشاره کرد. از این زمان نقش ارمنی های ایران در حفظ و

باروری موسیقی ایران با ظهور استاد مهرباب هویدا میشود . لازم به یاد آوری است که استاد زهره ،نوازنده مشهور دربار قاجار از شاگردان استاد رستم یهودی بود . از دیگر خوانندگان و نوازندگان یهودی میتوان به ملیخای کلیمی اشاره داشت . ناصر الدین شاه ، شاه عیاش و راحت طلب و درعین حال اسلام زده ، بیشتر به تعزیه و روضه خوانی علاقه داشت . بیشتر نوازندگان دربار او رازنان تشکیل میدادند که مشهور ترین گروه نوازندگان آن موقع گروه مومن کور بود . این پادشاه تنها با موزیک زنده به خواب میرفت . کسی که برای او موزیک می نواخت تا بخواب رود ، جواد خان قزوینی ، کمانچه نواز بود . از

نوازندگان مشهور آن زمان میتوان به سرورالملک سنتور نواز ، آقاغلامحسین تار نواز و اسماعیل خان کمانچه کش و حاجی حکیم خواننده اشاره داشت

در اصفهان ، برادر ناصر الدین شاه ، ظل السلطان حکمرانی میکرد که در بارگاهش موسیقیدان کلیمی، موسی خان کاشی زندگی میکرد . موسی خان به مدت 18 سال برای ظل السلطان تار و نی مینواخت و بعد ها مورد توجه جلال آل الدوله قجر حاکم یزد قرار گرفت . در یزد یهودیان مجبور به پوشیدن لباس یهودانه بودند که با درخواست موسی خان ، حاکم یزد آنرا لغو کرد . مدتی بعد ، موسی خان به نوازندگان دربار ناصر الدین شاه پیوست از دیگر موسیقیدانهای بزرگ معاصر میتوان به مرتضی خان نی داود اشاره داشت



جوانی قمر الملوک وزیری



استاد مرتضی خان نی داود

مرغ سحر سروده محمد تقی بهار (ملک الشعرا) با آهنگ مرتضی خان نی داود ، و با اجرای قمر، جاودانه یی است در موسیقی ایران

اجرای ردیف های موسیقی ایران ( مجموعه یی بالغ بر سه هزار کاست ) از کار های . ارزنده این موسیقی دان بزرگ است که در کتابخانه دانشگاه موسیقی اورشلیم نگهداری میشود . از این مجموعه نفیس یکسری کامل آن در وزارت علوم نگهداری میشد که با روی کار آمدن دستار بندان اشغالگر و ضد فرهنگ ، هیچ نشانی از آنها نیست . مرتضی خان در سال 1359 خورشیدی در سانفرانسیسکو ، شمال کالیفرنیا درگذشت

از دیگر هنرمندان با ارزش کلیمی سیمون ایمره (سلیمان خان روح افزا) است . سلیمان خان همکاری نزدیکی با کلنل وزیری و استاد حسین سنجری داشت . یونس دردشتی ، هنرمند ارزشمند کلیمی دیگری است که باید از او نام برد . او از پنج سالگی خواندن را نزد پدرش آموخت . در رادیو به او لقب بلبل رادیو داده بودند

اسلام ضد فرهنگ و موسیقی، دشمن سر سخت دیگری غیر از یهودیان داشت و آن ارمنی های ایران بوده و هستند . موسیقیدانهای ارمنی، حافظ و نگهدارنده بخش بزرگی از فرهنگ ایران زمین بوده و هستند

روبیک گریگوریان را به حق میتوان از جمله معدود کسانی که موسیقی فولکلوریک ایران را زنده نگهداشت مورد تقدیر و سپاس قرار داد . در کنار او باید از استاد آلفرد ماردویان نام برد.

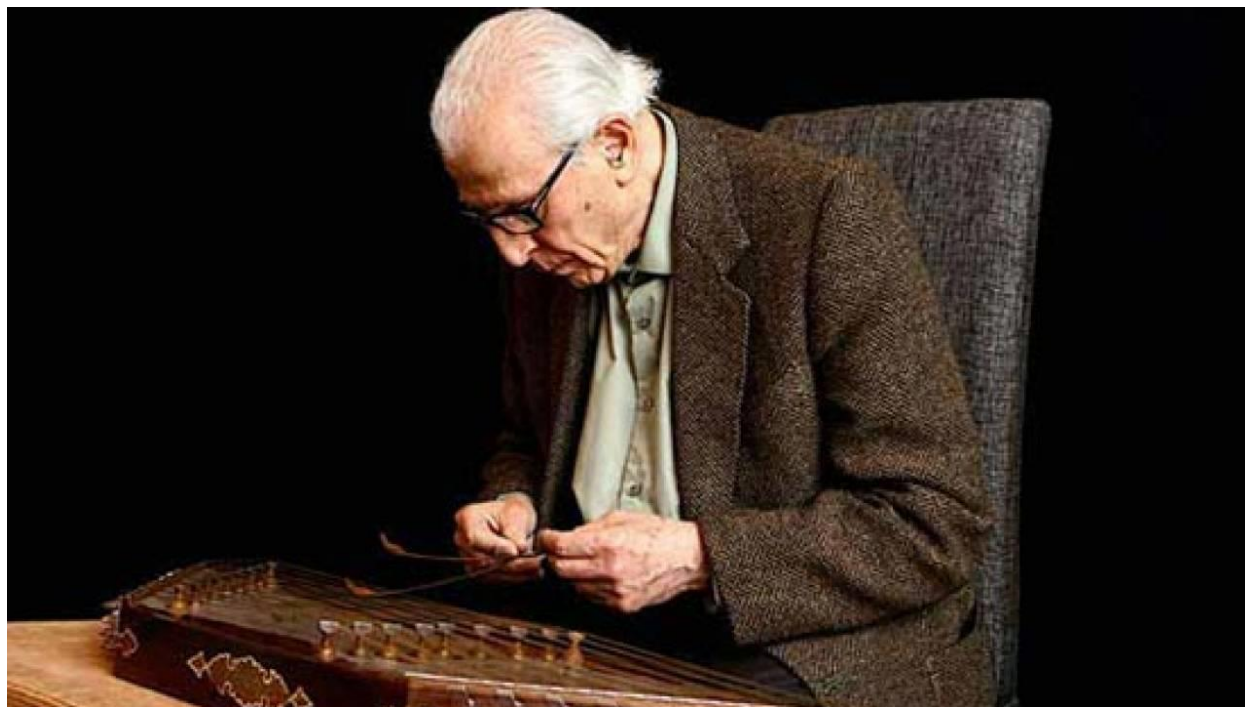


روبیک گریگوریان

روبیک گریگوریان در 1915 میلادی در تفلیس گرجستان به دنیا آمد. در کودکی همراه خانواده اش به تبریز مهاجرت کرد . او دوره کنسرواتوار تهران را به پایان رسانده و سپس به فرانسه رفت . او رییس کمیسیون عالی موسیقی ایران در یونسکو بود . این بزرگمرد بیش از 60 قطعه از موسیقی محلی ایران را جمع آوری و تنظیم نمود . سویت ایرانی او که با الهام از موسیقی دشتسانی ساخته شده از شاهکار های موسیقایی ایران است . سفارش روبیک به شاگردانش همواره این بود : روستا ها را مرکز الهام هنری خود قرار دهید.

روبیک گریگوریان در سال 1370 خورشیدی در بوستون آمریکا چشم از جهان فرو بست. با مرگ او موسیقی محلی ایران بزرگترین حامی خود را از دست داد . با روی کار آمدن ملایان ، یکبار دیگر اسلام چهره زشت و ترسناکش را نشان موسیقی ایران داد . به دستور روح الله خمینی وژن ، تمامی مراکز آموزش موسیقی تعطیل شدند و ساز ها از صدا افتاد و اگر پایمردی استاد داریوش صفوت نبود . دانشکده هنر های زیبا دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزش موسیقی پس از فتوای خمینی ابله باز نمی شدند . او 500 آخوند

خشک مغز و مغز فندقی را متقاعد کرد . ادامه حیان موسیقیایی ایران مدیون اقدام این مرد  
بزرگ است .



دکتر داریوش صفوت زنده کننده موسیقی ایران ، پس از یورش دوم اعراب به ایران در  
سال 1357